

الحمد لله  
الرحمن الرحيم



# تایوان عرصه تقابل چین و آمریکا

اندیشکده حنان



پاییز ۱۴۰۱



انديشگده حنن  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

---

عنوان: تایوان؛ عرصه تقابل چین و آمریکا

پژوهشگر: نعمت‌الله پهلوانی

طراح جلد: مهرداد زمانی

صفحه‌آرایی: مهرداد زمانی

چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

آدرس: خیابان فلسطین جنوبی، پایین تراز خیابان جمهوری، کوچه انیس، پلاک ۱۲، واحد ۲

تلفن: ۰۲۱۶۶۱۷۷۰۴۹

کد پستی: ۱۳۱۶۷۶۴۴۹۴

---

## فهرست

۷	خلاصه مدیریتی.....
۱۵	مقدمه.....
۱۷	جغرافیا و تاریخچه منازعات.....
۱۸	دیپلماسی آمریکا در قبال تایوان.....
۲۱	تجارت خارجی تایوان.....
۲۴	اقتصاد تایوان.....
۲۵	شرکت تولید نیمه هادی تایوان.....
۲۸	سهام آمریکا از شرکت تولید نیمه هادی تایوان.....
۲۹	پیشروی چین و ایالات متحده به سوی خودکفایی در صنعت تراشه سازی.....
۳۱	تغییر استراتژی ناگهانی ایالات متحده در تأمین نیمه هادی.....
۳۲	جامعه داخلی تایوان.....
۳۳	سناریوهای ممکن.....
۴۱	فرصت ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران.....
۴۲	فرصت های جمهوری اسلامی ایران.....
۴۵	تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران.....





## خلاصه مدیریتی

وقوع جنگ اوکراین و مخاطرات جهانی ناشی از آن موجب شد تا توجه قدرت‌های بین‌المللی به سوی قلب تپنده نیمه‌هادی جهانی؛ یعنی تایوان معطوف شود، توجهاتی که از احتمال تکرار منازعه‌ای مشابه این بار در شرق آسیا حکایت دارد. تایوان که از سال ۱۸۹۵ به عنوان تکه‌پازل دورمانده از تمامیت ارضی چین به شمار می‌رفت با پایان جنگ جهانی دوم و محکومیت ژاپن به صورت کاملاً مناقشه‌برانگیزی در قالب مجموعه اعلامیه‌ها و معاهدات تفسیرپذیر همچون اعلامیه قاهره،



پوتسدام و معاهده سانفرانسیسکو به چین عودت گردید. جنگ داخلی ۱۹۴۹ چین که از یک سو فرار دولت جمهوری چین به تایوان و انتخاب تاییه به عنوان مرکزیت چین را در پی داشت و از سوی دیگر تشکیل دولت به رهبری کمونیست‌ها در بیجینگ را سبب شد، موجب شد تا این جزیره باری دیگر تحت حاکمیتی مجزا و البته چینی واقع شود.

عدم توانایی شکست کمونیست‌های چینی توسط دولت در تبعید تایوان تا اوایل دهه ۷۰ میلادی مسیر جدیدی را پیش روی ایالات متحده قرار داد. شناسایی حکومت چین کمونیست از طریق تصویب قطعنامه در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۱ مسیر جدیدی بود که با حمایت ایالات متحده و رأی منفی این کشور صورت پذیرفت. با این استراتژی ایالات متحده ارتباط هم‌زمان با هر دو دولت را در دستور کار خود قرار داد. ارائه تضمین‌هایی همچون مشارکت در توسعه اقتصادی تایوان و تصویب سند نظامی - امنیتی موسوم به شش تضمین به تایوان نیز در راستای تداوم ارتباط با این دولت صورت پذیرفت.

چین تاییه نیز به منظور جذب حداکثری سرمایه‌های بین‌المللی به عنوان پشتوانه‌های حیات خود به دموکراتیک‌سازی داخلی روی آورد. جذب سرمایه خارجی به خصوص سرمایه‌های آمریکایی به همراه اجرای قوانین حمایت‌گرایانه دولتی توسط تایوان موجب شد تا امروزه کشورهای جهان این جزیره را به عنوان خانه بی‌مانند تراشه‌سازی جهانی شناسایی نمایند؛ تراشه‌هایی که وابستگی مستقیم چین، ایالات متحده و سایر قدرت‌های جهانی به آن تضمین‌گر امنیت این جزیره کوچک محسوب می‌گردد.



صنعت تراشه‌سازی و الکترونیک تایوان که تقریباً نیمی از ارزش صادراتی این کشور را شامل می‌شود علاوه بر اینکه ابزاری برای کنترل کشورها به شمار می‌رود به‌عنوان گلوگاه اقتصادی تایوان نیز محسوب می‌گردد. از آنجایی که صنعت تراشه‌سازی دنیا در حال حاضر جایگزینی جز تایوان ندارد؛ بنابراین هرگونه اختلال در این صنعت علاوه بر اینکه زمین‌گیر شدن اقتصاد تایوان را در پی دارد، گسست در زنجیره تولید ارزش جهانی را نیز در پی خواهد داشت که نتیجه‌اش چیزی جز بحران اقتصادی برای کشورهای جهان علی‌الخصوص قدرت‌های وابسته به این صنعت نخواهد بود. فلذا صنعت ریزتراشه به‌عنوان اهرم قدرت تایوان محسوب می‌شود که از دست دادن آن به‌مثابه کاهش امنیت تایوان خواهد بود.

چین و ایالات متحده که حفظ و ارتقا قدرت خود را در سایه امنیت اقتصادی و تداوم امنیت تجاری با تایوان جستجو می‌کنند، به‌علت ابهام در تداوم دسترسی‌شان به بازار نیمه‌هادی‌های تایوان به کسب و توسعه چرخه کامل تولید این قطعات متمایل شده‌اند. نمود این ادعا را می‌توان در قانون رقابت مصوب کنگره ایالات متحده در سال ۲۰۲۱ مشاهده کرد. از آنجایی که تداوم رشد صنعتی دو کشور به دسترسی آزاد به بازار نیمه‌هادی‌های تایوان بستگی دارد - با توجه به فقدان حضور یک جایگزین قدرتمند در تولید تراشه‌های نیمه‌هادی به‌جای تایوان - پیش‌دستی هریک از دو کشور چین و ایالات متحده در منع دسترسی دیگری به این بازار می‌تواند دیگری را با ضرر جبران‌ناپذیری مواجه سازد.





گرچه چین از سال ۲۰۱۴ تا به امروز توفیق چندانی در این حوزه کسب ننموده، لیکن ایالات متحده آمریکا به کمک شرکت‌های تولیدی خود نظیر شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان<sup>۱</sup> و اینتل<sup>۲</sup> و بسیج تمامی منابع، خودکفایی در حوزه تولید نیمه‌هادی‌ها را تا سال ۲۰۲۵ در دستور کار قرار داده است، تا بتواند پیش از اینکه چین تایوان را ضمیمه خود کند و بر روند واردات نیمه‌هادی‌ها آمریکا از تایوان اثر منفی گذارد ضربه محکم‌تری را به رقیب خود وارد آورد. هرچه زمان بیشتری سپری می‌شود ایالات متحده به خودکفایی در تولید نیمه‌هادی‌ها نزدیک‌تر شده و احتمال شروع یک بازی بر علیه چین و تحویل تایوانی هرچه ویران‌تر به این کشور بیشتر می‌شود، چینی که توفیقی در خودکفایی تولیدات نیمه‌هادی‌ها نداشته است؛ بنابراین زمان به ضرر چین سپری می‌شود.

چین می‌داند که اگرچه ایالات متحده شریک راهبردی و امنیتی تایوان است و بارها خود را مکلف به دفاع همه‌جانبه از تایوان دانسته، لیکن بنا بر نظریه بازی‌ها بهترین پاسخ این کشور در شرایط خودکفایی تنش‌زایی و آتش‌افروزی کامل (جنگ) میان چین و تایوان بوده تا علاوه بر تضعیف شدید چین، در صورت ازدست‌رفتن تایوان نیز، چین ضعیف‌ترین تایوان ممکن را به دست آورد. ایالات متحده با در نظر گرفتن هزینه‌های ناشی از درگیری مستقیم با چین از ورود نظامی به هرگونه مناقشه چین و تایوان خودداری می‌کند. کم‌اینکه این کشور در سند روابط با تایوان نیز به هیچ‌گونه اقدام نظامی حمایت‌گرانه

1 . tsmc.

2 . Intel.

از تایوان که در صورت وقوع درگیری با چین نیاز باشد اشاره نکرده است و تنها به نگرانی ایالات متحده ناشی از اقدام احتمالی چین اشاره نموده است. از همین رو چین با علم به این موضوع، هم‌زمان با پیشروی به‌سوی خودکفایی در این صنعت در پی برهم‌زدن بازی ایالات متحده نیز برخواهد آمد تا از رسیدن به بن‌بست جنگ با تایوان که تنها گزینه چین خواهد بود جلوگیری نماید.

از طرفی با توجه به افزایش نرخ تورم کنونی در ایالات متحده و به دنبال آن اجرای سیاست افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو که در راستای مقابله با آن صورت گرفت، رکود جهانی در میان‌مدت اجتناب‌ناپذیر است. رکودی که قدرت‌هایی همچون چین، هند و اتحادیه اروپا را به شدت متضرر می‌کند. بدین ترتیب چین تا به این لحظه در قدرتمندترین وضعیت خود نسبت به گذشته قرار دارد که می‌تواند برهم‌زننده بازی باشد. پیگیری سیاست‌های نرم همچون نفوذ در احزاب داخلی تایوان، نفوذ در رسانه‌ها، پیشنهاد اعطای بالاترین خودمختاری به تایوان و سیاست‌های اقناع عمومی تایوان از جمله سیاست‌های چین در راستای برهم‌زندگی بازی ایالات متحده خواهد بود.

چین با درک اهمیت سررسید ۲۰۲۵ در نمودار روابط با ایالات متحده سعی بر این دارد تا هرچه سریع‌تر با شروع یک بازی مبرهن و مشروع در نگاه مردم تایوان، دولت و مردم این جزیره را در پیوستن به چین مجاب نماید. چین با این حرکت بیشترین منفعت و کمترین هزینه را پرداخت خواهد کرد. ایالات متحده نیز با پیگیری سیاست‌های تنش‌آفرینی همچون صادرات تسلیحات پیشرفته و





سفر سیاستمداران آمریکایی به تایوان یا انجام مانورهای مشترک با این جزیره کسب بهترین پاسخ خود را پیگیری می‌کند تا با کوچک‌ترین عکس‌العمل چین، شرایط ناآرام تایوان را به شرکت‌های چندملیتی تایوان بخصوص شرکت‌های تولید نیمه‌هادی گوشزد نماید و در نتیجه سرمایه‌گذاری آنها را در آمریکا سرعت بخشیده و اجماع منطقه‌ای علیه چین را تحکیم بخشد.

سناریو بالا چین را در بن‌بستی قرار می‌دهد که هر حرکتی به ضرر خودش ختم می‌شود. اما چین می‌تواند در پاسخ با سناریوسازی‌های امنیتی قابل قبول و دوری از هرگونه تنش نظامی در یک بازه زمانی بلندمدت شرایط سهل و ایمن ترانشیپ، ترانزیت و حمل‌ونقل هوایی تایوان را برهم زده و موجبات تنش‌های اقتصادی تایوان را فراهم آورد، در نهایت نیز قصور و کوتاهی را متوجه دولت استقلال طلب تایوان سازد. این عمل که اختلالات اقتصادی تایوان را در پی خواهد داشت در کوتاه‌مدت موجبات نارضایتی مردمی تایوان را فراهم می‌آورد چرا که تایوان به‌عنوان دومین حکومت دموکراتیک آسیا دارای رفاهی است که کوچک‌ترین خلل در ارائه آن، نارضایتی مردمی از سیاست‌های دولتی را در پی خواهد داشت. این اعمال می‌تواند اقبال مردمی به حزب مخالف یعنی کومینتانگ را موجب شده و ادامه این روند گسترش همکاری‌ها و در نهایت هنگ‌کنگ سازی تایوان را برای چین رقم زند.

انضمام تایوان به چین می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را با فرصت‌ها و تهدیداتی مواجه سازد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

- به‌خاطر افتادن صادرات ایران به کشورهای شرق آسیا به‌خصوص چین از طریق تنگه مالاکا
- به خطر افتادن دسترسی با واسطه ایران به تراشه‌های با فناوری بالا
- انتقال فناوری‌های تولید نیمه‌هادی‌های خاص به ایالات متحده و دسترسی هرچه محدودتر ایران تحت تحریم به آنها
- سرمایه‌گذاری ایران در خطوط نفت و گاز کریدورهای جایگزین برای مالاکا به مقصد چین مانند کریدور اقتصادی چین - میانمار و چین - پاکستان
- مشارکت در توسعه سواحل مکران به‌خصوص بندر جاسک و اتصال آن به غرب چین به‌عنوان بندری جایگزین برای بنادر چین با احتمال ایجاد بحران مالاکا
- اعطای تسهیلات انرژی، مواد اولیه موردنیاز در تولید نیمه‌ها به شرکت‌های تولیدی چینی در ازای انتقال فناوری در عرصه تولید نیمه‌هادی در میان مدت
- اشتراک دانش تولیدی میان دانش‌پژوهان چینی و ایرانی در زمینه تولید و توسعه نیمه‌هادی‌ها







## مقدمه

جنگ داخلی ۱۹۴۹ چین میان جناح چپ انقلابی موسوم به مائوئیست‌ها با حزب حاکم در چین یعنی کمینتانگ باعث شد تا حکومت جمهوری چین (حزب کمینتانگ) به جزیره تایوان فرار کند و از آنجا به مبارزه با مائوئیست‌های کمونیست که در پکن مستقر شده بودند، ادامه دهد. با گذر زمان درگیری‌ها میان دو جناح انقلابی فروکش کرد و مارکسیست‌های چینی بر چین مسلط شدند. گرچه حکومت مستقر در تایوان تا اوایل دهه ۷۰ ادعای حکومت بر



تمامیت چین را عنوان می‌کرد، لیکن پیگیری سیاست پینگ‌پنگ<sup>۱</sup> از جانب ایالات متحده مجموعه دیدارهایی را میان سیاستمداران چینی و ایالات متحده در اوایل دهه ۷۰ میلادی در پی داشت. این امر موجبات حمایت ایالات متحده از طرحی را فراهم آورد که در پی آن دولت‌های جهانی طی مصوبه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل جمهوری خلق چین را به‌عنوان تنها نماینده بر حق چین واحد مورد شناسایی قرار دادند.

پیشروی تایوان به‌سوی دموکراسی‌سازی و ایجاد شرایط هرچه جذاب‌تر برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی موجب شد تا این جزیره مراحل صنعتی‌سازی را به‌سرعت طی کرده و امروزه به‌عنوان خانه نیمه‌هادی‌های جهان شناخته شود. وابستگی کشورهای صنعتی جهان علی‌الخصوص ایالات متحده و چین به تایوان در حوزه نیمه‌هادی‌ها موجب شده است تا ایالات متحده با حرکت به‌سوی خودکفایی در این حوزه بخواهد علاوه بر اینکه بر قدرت نفوذ اقتصاد خود بیفزاید با کارت تایوان در مقابل چین نیز بازی کند.

با فرض دوری کشورها از ورود به جنگ و درگیر شدن با تبعات ناخواسته آن بهترین پاسخ ایالات متحده ایجاد درگیری میان چین و تایوان و دمیدن بر آتش جنگ میان این دو کشور بوده و بهترین پاسخ چین نیز پیشروی به‌سوی خودکفایی و برهم زدن بازی تنش‌آفرین ایالات متحده خواهد بود. این تحولات تهدیدها و فرصت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد که در انتها به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱ . هدف از پیگیری این سیاست عادی‌سازی روابط با حکومت خلق چین بود.



## جغرافیا و تاریخچه منازعات

تایوان که به نام‌های چین‌تایپه، جمهوری چین یا فورموسا شناخته می‌شود جزیره‌ای کوهستانی است واقع در غرب اقیانوس آرام، با فاصله ۱۶۰ کیلومتری از سواحل جنوب شرقی چین که متشکل از جزیره اصلی تایوان و تعدادی جزایر از جمله کینمن<sup>۱</sup>، ماتسو<sup>۲</sup> و پنگهو<sup>۳</sup> است. در مجموع ۲۲ جزیره در اطراف تایوان و ۶۴ جزیره در غرب مجمع‌الجزایر پسکادورس<sup>۴</sup> تحت حاکمیت و کنترل چین تایپه هستند.

تایوان که در قرن ۱۷ تحت تسلط استعمارگران هلندی و اسپانیایی بود در سال ۱۶۶۴ تحت تسلط هواداران سلسله مینگ چین درآمد و حاکمیتی چینی در سراسر آن برقرار گردید. با شکست چین از ژاپن در سال ۱۸۹۵ و امضای معاهده شیمونوزکی، دولت چینگ حاکمیت تایوان را به ژاپن واگذار نمود و با این معاهده به حاکمیت و مالکیت ۲۰ ساله چین بر تایوان پایان داد. حاکمیت ژاپن بر این جزیره تا پایان جنگ جهانی دوم بیش نپایید.

با توافق بر محکومیت ژاپن در جنگ جهانی دوم، در دیدار چیانگ کای شک رهبر جمهوری چین با فرانکلین روزولت و وینستون چرچیل در قاهره بیانیه‌ای قرائت شد که مطابق آن «... فورموسا و پسکادورس به جمهوری چین بازگردانده» شدند، این بیانیه به اعلامیه قاهره شناخته می‌شود. بیانیه قاهره با اعلامیه پوتسدام سال ۱۹۴۵ که

1 . Kinmen

2 . Matsu

3 . Penghu

4 . Pescadores





مشترکاً از سوی بریتانیا، ایالات متحده و جمهوری چین اعلام گردید تقویت می‌شد. با تسلیم ژاپن در جنگ جهانی دوم این جزیره در تمامی قلمرو قانونی، مردم، امکانات و دارایی‌های اداری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و از جمله جزایر پنگو به چین بازگشت.

ثبات پس از جنگ در چین دیری نپایید که چین در سال ۱۹۴۷ به جنگی داخلی فرو غلطید. طرفین جنگ، جناحین انقلاب ملی چین بودند که جناح راست آن را حزب کومینتانگ یا حکومت جمهوری چین و جناح چپ آن را کمونیست‌های چینی شکل می‌دادند. در نتیجه این جنگ دولت کومینتانگ به رهبری چیانگ کای‌شک توانایی مقاومت خود را در پایتخت از دست داد و به تایوان گریخت، از آنجا به عنوان دولت رسمی چین که در تبعید بود به تقابل و مقاومت خود در مقابل کمونیست‌های سرزمین اصلی چین ادامه داد. درگیری دو جناح که تا سال ۱۹۵۸ ادامه داشت، با توجه به ناکامی‌های طرفین در کسب موفقیت رو به سردی گذاشت. تا سال ۱۹۷۱ اغلب کشورهای جهان جمهوری چین را به عنوان نماینده واقعی چین تصور می‌کردند؛ اما دیپلماسی پینگ‌پنگ سال ۱۹۷۱ این وضعیت را تغییر داد.

## دیپلماسی آمریکا در قبال تایوان

با افزایش اختلافات میان رهبران چین و شوروی و شروع جنگ میان دو کشور بر سر مالکیت منطقه جین‌بائو شکاف میان کمونیسم جهانی بیش از هر زمان دیگری هویدا گردید. شکاف میان کمونیسم بین‌الملل باعث شد بسیاری از کشورها از آن پس به جای

شوروی چین را به‌عنوان رهبر جریان کمونیسم شناسایی نمایند که آلبانی از آن جمله بود. شکاف میان چین و شوروی باعث شد تا چین و ایالات متحده بیش‌ازپیش به برقراری رابطه با یکدیگر متمایل شوند. برگزاری کنفرانس صلح ویتنام در مارس ۱۹۷۱ باعث شد تا نمایندگان چین و ایالات متحده با یکدیگر دیدار کنند. در این دیدار پنهانی مقرر شد تا با سفر نمایندگان آمریکا به چین که در قالب تیم ورزشی پینگ‌پنگ صورت می‌پذیرفت، طرفین به حل اختلافات خود بپردازند. در ژوئیه ۱۹۷۱ هنری کسینجر در سفری پنهانی به چین مقدمات شناسایی چین کمونیست را فراهم آورد. پس از این دیدار طرح شناسایی دولت چین کمونیست که از اوایل دهه ۶۰ هر ساله توسط جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی در صحن مجمع عمومی سازمان ملل ارائه می‌شد در اکتبر ۱۹۷۱ مجدداً ارائه گردد. قطعنامه مذکور که مبنی بر اخراج نمایندگان جمهوری چین و شناسایی جمهوری خلق چین به‌عنوان «تنها نماینده واقعی چین در سازمان ملل» بود با حمایت ضمنی ایالات متحده و رأی منفی این کشور به تصویب رسید. حمایت ضمنی ایالات متحده از تصویب قطعنامه ۲۷۵۸ در همراه نمودن کشورهای بلوک غرب با طرح مذکور مشخص می‌گردد، کشورهایی که در اوایل دهه ۶۰ تمایلی به شناسایی چین کمونیست نشان نمی‌دادند. کشورهای نظیر فرانسه، ایران، ترکیه، جمهوری عربی یمن، ایتالیا، جمهوری کنگو، کامرون، نیجریه و غنا که از وابسته‌های بلوک غرب محسوب می‌شدند و جمهوری چین را به‌عنوان تنها نماینده حقیقی مردم چین به رسمیت می‌شناختند، در





سال ۱۹۷۱ تغییر موضع دادند و چین کمونیست را نماینده اصلی مردم چین دانستند. با وجود رأی منفی ایالات متحده به طرح جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی، نیکسون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده سه ماه پس از تصویب قطعنامه ۲۷۵۸ مجمع عمومی سازمان ملل در فوریه سال ۱۹۷۲ در سفری ۸ روزه به چین با مائو رهبر حزب کمونیسم چین دیدار کرد. محصل این سفر قرائت بیانیه شانگهای بود که با تأکید بر اصل چین واحد، داخلی بودن اختلافات تایوان با چین و خروج نیروهای آمریکایی از تایوان را رسمیت بخشید. در واقع ایالات متحده با پیگیری دیپلماسی نفی و تأیید، قصد داشته است تا علاوه بر اینکه از اتحاد مجدد پرجمعیت‌ترین کشور جهان یعنی چین با اتحاد جماهیر شوروی جلوگیری کند، از ایجاد بی‌اعتمادی در روابط خود با تایوان نیز جلوگیری به عمل آورد. از این رو خروج نیروهای ایالات متحده از تایوان محقق نشد مگر با تصویب قانون روابط با تایوان<sup>۱</sup> که در سال ۱۹۷۹ صورت پذیرفت. این قانون تمامی جوانب روابط تجاری، فرهنگی، نظامی، سرمایه‌گذاری و مالی را در بر می‌گیرد و به‌عنوان تضمینی در تداوم و گسترش روابط ایالات متحده با تایوان محسوب می‌گردد. بعد امنیتی این قانون با سند شش تضمین در سال ۱۹۸۲ محکم شد و بعد تجاری آن نیز با هدایت برون‌سپاری‌های شرکت‌های صنعتی ایالات متحده به تایوان نمایان شد.

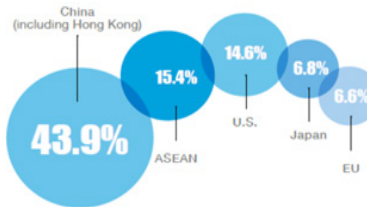
۱ . مهم‌ترین بند این قانون که در کنار همکاری‌های اقتصادی بایستی مد نظر واقع شود، شرایط و کیفیت حمایت نظامی ایالات متحده از تایوان است که مقرر می‌دارد: «هر تلاشی را برای تعیین آینده تایوان از راه‌های غیر از راه‌های صلح‌آمیز، از جمله بایکوت یا تحریم، تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه غربی اقیانوس آرام و نگرانی شدید ایالات متحده را در پی دارد» و حق مقاومت را برای ایالات متحده محفوظ می‌داند اما خود را ملزم به دفاع از حاکمیت این جزیره نمی‌داند.

## تجارت خارجی تایوان

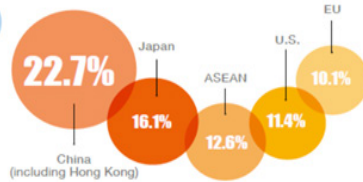
تایوان با ارزش صادراتی ۴۴۸ میلیارد دلاری در سال ۲۰۲۱ که تقریباً نیمی از آن متعلق به صادرات لوازم و تجهیزات الکتریکی و قطعات آن است رتبه پانزدهم را در میان کشورهای قدرتمند اقتصادی تصاحب نمود. به طور مشخص ۱۵۵ میلیارد دلار از ارزش صادراتی تایوان متعلق به مدارات مجتمع، قطعات و بردهای الکترونیکی است و در حدود ۷۰ میلیارد نیز به صورت ماشین‌آلات الکترونیکی تولید و صادر می‌گردند. شکل (۱) سهم کشورها در صادرات و واردات تایوان مشخص شده است.

۲۱

Top export destinations:



Top import sources:



شکل (۱) بزرگ‌ترین شرکای تجاری تایوان

چین (به‌علاوه هنگ‌کنگ) مهم‌ترین شریک تجاری تایوان به شمار می‌رود. طبق آمار، صادرات تایوان به چین در سال گذشته ۱۸۰ میلیارد دلار و ارزش واردات تایوان از چین در مدت مشابه ۸۳ میلیارد دلار بوده





است. این آمار نشان می‌دهد که حدود یک چهارم از کل ارزش وارداتی تایوان از مبدأ چین و در حدود نیمی از کل صادرات تایوان نیز به مقصد چین صورت پذیرفته است. از کل ارزش صادراتی تایوان به چین ۱۱۸ میلیارد دلار آن مربوط به بخش نیمه‌های و لوازم الکترونیک است که ۳۵ درصد از سبد نیمه‌های چین (صرفاً خود چین) را در بر می‌گیرد؛ بنابراین تداوم رشد اقتصادی چین تا حد زیادی به امنیت صنعتی تایوان وابسته است که این امنیت برای ایالات متحده نیز حائز اهمیت است. ایالات متحده دومین شریک بزرگ تجاری تایوان محسوب می‌گردد که حجم تجاری آن با تایوان به ۱۰۶ میلیارد دلار می‌رسد.

شماره	مهم‌ترین کشورهای واردکننده نیمه‌های	ارزش واردات (میلیارد دلار)
۱	چین	۴۹,۱۳
۲	هنگ‌کنگ	۴۴,۷۹
۳	سنگاپور	۱۸,۸۱
۴	ژاپن	۱۱,۹۲
۵	کره	۱۱,۶۳
۶	مالزی	۶,۲۹
۷	فیلیپین	۲,۹۹
۸	آمریکا	۲,۰۳
*	مجموع کل صادرات	۱۵۵,۸

جدول (۱) مهم‌ترین کشورهای واردکننده نیمه‌ها از تایوان ۲۰۲۱

مشارکت در حوزه الکترونیک حوزه تعیین‌کننده‌ای است که روابط

تایوان و ایالات متحده را به یکدیگر زده است. با اینکه بر خلاف سایر شرکای تجاری تایوان که حوزه الکترونیک پرارزش‌ترین حوزه مشارکت تجاری آن‌ها با تایوان را شکل می‌دهد، در مورد ایالات متحده این حوزه پس از ماشین‌آلات و قطعات مکانیکی به دومین حوزه بزرگ همکاری‌ها با تایوان بدل شده است. جدول شماره (۱) به جایگاه پایین ایالات متحده در میان واردکنندگان نیمه‌هادی‌های تایوان اشاره دارد. لیکن لازم به توضیح است وابستگی ایالات متحده به تولیدات نیمه‌هادی تایوان را نباید ناچیز و به همین میزان محدود (۲ میلیارد دلار) در نظر گرفت. ارزش کل واردات آمریکا در حوزه مدارات الکترونیکی و قطعات آن در سال ۲۰۲۱ حدود ۴۱ میلیارد دلار بوده که سهم تایوان از این میزان برابر با ۵ میلیارد دلار بوده است. در واقع این عدد کوچک‌تر از آن است که بخواهد به تنهایی برای ایالات متحده ایجاد وابستگی نماید.

با نگاهی به اصلی‌ترین کشورهای صادرکننده مدارات الکترونیکی و قطعات آن به ایالات متحده مشاهده می‌شود که مالزی با صادرات ۱۹ میلیارد دلاری جایگاه اول و تایوان جایگاه دوم را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به جدول شماره (۱)، مالزی با واردات ۶ میلیارد دلار مدارات و قطعات الکترونیکی از تایوان، رتبه ششم را در میان مقاصد صادراتی تایوان در اختیار دارد. در واقع مالزی در مورد بسیاری از این اقلام جایگاه سوارکننده قطعات بر روی یکدیگر و صادرات مجدد آنها را بر عهده دارد؛ بنابراین در اینجا نیز ایالات متحده به صورت غیرمستقیم به تایوان وابستگی دارد. به همین خاطر است که گفته شد حفظ امنیت تایوان و امنیت تجاری با آن برای ایالات متحده حائز اهمیت است.

1. Assembler

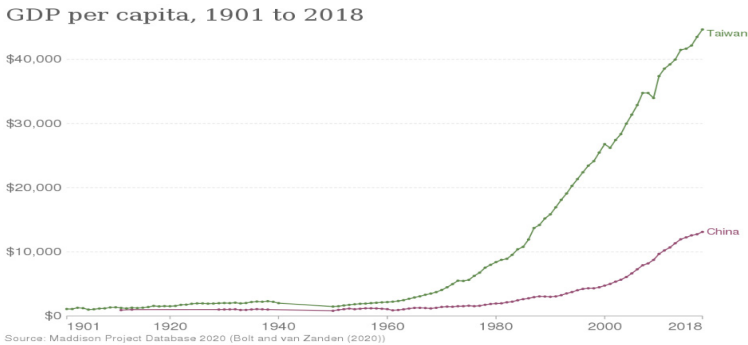




## اقتصاد تایوان

تایوان که رشد اقتصادی خود را از دوران استعمار هلند آغاز نموده بود، در دوران حاکمیت ژاپن به حد اعلای خود رسید، تا جایی که پس از ژاپن، تایوان را توسعه یافته ترین منطقه در شرق آسیا می دانستند. با فرار دولت جمهوری چین به تایوان و پس از آن، تصویب قانون روابط با تایوان، مبنی بر تداوم و توسعه سرمایه گذاری خارجی و روابط تجاری با این جزیره، توسعه اقتصادی و به تبع آن سرانه تولید ناخالص داخلی، با شیب زیادی افزایش یافت.

۲۴



شکل (۲) روند رشد سرانه تولید ناخالص داخلی دو کشور چین و تایوان

این روابط که با تحولات داخلی در تایوان همچون تأسیس مناطق پردازش صادرات<sup>۱</sup> و دموکراتیزه کردن سیاست و تحولات بین المللی

1. Export Processing Zone (EPZ)



همچون برون‌سپاری<sup>۱</sup> همراه گردیده بود اثرات مثبت فزاینده‌ای را بر اقتصاد تایوان گذاشت که در نمودار (۲) نشان داده شده است.

دو عامل برون‌سپاری تولیدات نیمه‌هادی توسط شرکت‌های آمریکایی و حضور نیروی کار ارزان قیمت در کشورهای جنوب شرق آسیا را می‌توان از جمله عللی دانست که اجرای قانون روابط با تایوان را تسریع نمودند. شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان از جمله شرکت‌های بزرگی است که با حمایت و سرمایه‌گذاری ایالات متحده به بار نشسته و قراردادهای تأمین با شرکت‌هایی مثل اپل آن را تقویت کرده است.

## شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان

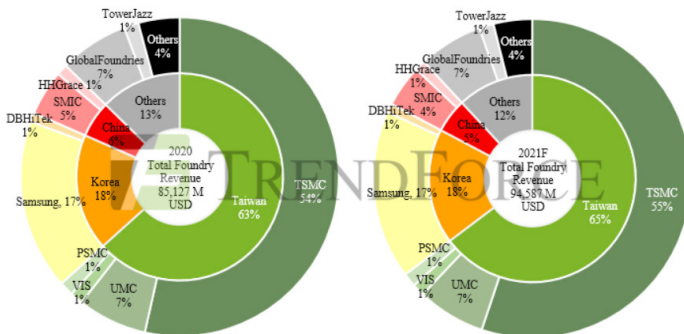
صنعت نیمه‌هادی به‌عنوان قلب صنعت دنیای مدرن، نیرویی محوری در حاکمیت تکنولوژیکی و صنعتی جهانی محسوب می‌گردد که قطب‌های صنعتی همواره سعی در داخلی‌سازی آن داشته‌اند. مطابق با آمار آژانس توسعه اقتصادی آلمان، درآمد جهانی صنعت نیمه‌هادی‌ها در بازه بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ از ۳۰۰ میلیارد دلار به ۵۸۴ میلیارد دلار رسیده است که تایوان بخش عمده‌ای از آن را در اختیار دارد. کل درآمد ناشی از ریخته‌گری نیمه‌هادی‌ها در سال ۲۰۲۱ برابر با ۹۵ میلیارد دلار بوده است که از این میزان تایوان سهمی برابر با ۶۵٪ از کل بازار جهانی که برابر با ۶۱ میلیارد دلار است را در اختیار

۱. با فروپاشی شوروی و جهانی شدن اقتصاد شرکت‌های فراملی پدید آمدند که با برون‌سپاری بخش‌هایی جزئی‌تر از تولیداتشان که غیر فناوربری و بیشتر کاربرمحور بودند در پی کسب مزیت نسبی نسبت به سایر شرکت‌های فراملی و چندملیتی برآمدند.





Figure 1: Foundry Market Share, 2020-2021



Source: TrendForce, Mar., 2021

داشته است.

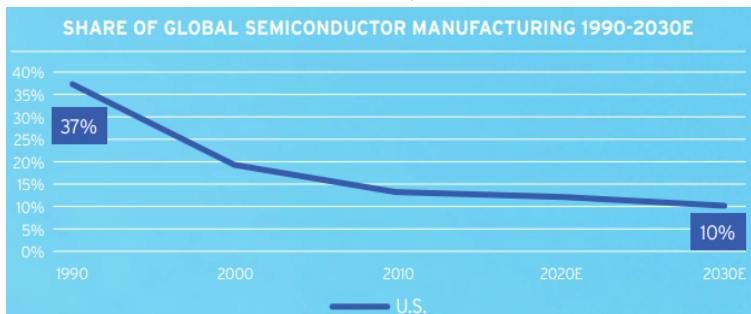
شکل (۳) سهم شرکت‌های بزرگ نیمه‌های از کل تولیدات نیمه‌های جهانی در سال ۲۰۲۰-۲۰۲۱

تایوان به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیره ارزش صنعت نیمه‌های محسوب می‌شود که هلند و ایالات متحده آن را تکمیل می‌نمایند. هلند خانه شرکت‌هایی است که تجهیزات صنعت تولید نیمه‌های را ارائه می‌دهد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شرکت لیتوگرافی مواد نیمه‌های پیشرفته<sup>۱</sup> اشاره نمود. این شرکت در ارائه ماشین‌آلات تولید تراشه‌های با فناوری ۵ نانومتری پیشرو است. مهم‌ترین حلقه زنجیره تولید ارزش نیمه‌های را ایالات متحده آمریکا در اختیار دارد. فعالیت طراحی عمدتاً دانش و مهارت است که ۶۵ درصد از کل صنعت تحقیق و توسعه و ۵۳ درصد از کل ارزش افزوده را شامل می‌شود. از همین رو ایالات متحده به‌عنوان خانه طراحی نیمه‌هایها درصد بالایی از بازار

1. Advanced Semiconductor Material Lithography (ASML)

فروش نیمه‌هادی‌ها را در اختیار دارد. از اواخر دهه ۱۹۹۰ تا به امروز، صنعت نیمه‌هادی ایالات متحده با تقریباً ۵۰ درصد از سهم بازار جهانی، رهبری بازار فروش جهانی را در دست داشته است. فلذا بدیهی است که شرکت‌های نیمه‌هادی ایالات متحده نیز موقعیت پیشرو و بسیار رقابتی در فناوری تحقیق و توسعه، طراحی و فرایند تولید را در دست‌ان خود داشته باشند.

تا دهه ۹۰ میلادی که شرکت‌های آمریکایی تولید نیمه‌هادی‌ها را همراه با طراحی آن‌ها در اختیار خود داشتند به منظور کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، سرمایه‌گذاری بیشتر بر پروسه تحقیق و توسعه و در نهایت افزایش قدرت رقابت‌پذیری به برون‌سپاری تولیدات روی آوردند. همین امر موجب شده تا سهم ایالات متحده در تولید از ۳۷٪ در سال



۱۹۹۰ به ۱۲٪ در سال ۲۰۲۲ تقلیل یابد (در شکل (۴) ملاحظه می‌کنید).

شکل (۴) سهم ایالات متحده از تولید جهانی نیمه‌هادی‌ها ۱۹۹۰-۲۰۳۰





این کاهش سهم از بازار تولید، کنگره را بر آن داشت تا با «قانون نوآوری و رقابت برای ایالات متحده»<sup>۱</sup> و همین‌طور «قانون تراشه برای آمریکا» در سال ۲۰۲۱ طرح ۵۲ میلیارد دلاری برای تقویت ساخت، تحقیق و طراحی تراشه‌های داخلی را ارائه نماید. این طرح کمک می‌کند، تا ایالات متحده بتواند در کنار سهم عظیم خود در بازار نیمه‌های جهانی<sup>۲</sup>، حلقه گمشده تولید از زنجیره گسترده نیمه‌هادی که امروزه در چنگ کشورهای آسیایی علی‌الخصوص تایوان<sup>۳</sup> است را نیز به طور کامل بازیابد. لیکن در صورت حضور شرایط مطلوب تولید (شرایط مساعد سیاسی و امنیتی) در یک منطقه، ضرورت دارد تا جابه‌جایی صنعتی توأم با جابه‌جایی فناوری و مهارت صورت گیرد تا صنعت جابه‌جا شده به روند تولید گذشته خود ادامه دهد. این امر نفوذ بالای ایالات متحده در صنعت تولید نیمه‌هادی تایوان را می‌طلبد.

## سهم آمریکا از شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان

شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان بزرگ‌ترین شرکت تولید نیمه‌هادی جهانی محسوب می‌شود که ۷۵٪ از سهام این شرکت در

1. United State Innovation And Competition Act (USICA)

۲. آمریکا ۴۷ درصد از سهم بازار نیمه‌هادی جهانی را در دست دارد که بخش عمده آن درآمد ناشی از طراحی تراشه‌ها می‌باشد.

۳. امروزه تولید نیمه‌هادی در تایوان گرچه سهمی حدوداً ده درصدی از کل تولید ناخالص داخلی را دارد لیکن اهرم فشار تایوان به کشورهای صنعتی جهان نیز محسوب می‌شود که مهم‌ترین آنها چین است. چین (چین به انضمام هنگ‌کنگ) با کسب ۶۰٪ از کل ارزش صادراتی تایوان در مدارات مجتمع و اجزای آن به امنیت این مبدا وارداتی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. تایوان در سال ۲۰۲۱، ۴۴۸ میلیارد دلار درآمد صادراتی داشته است که ۱۵۵/۸ میلیارد دلار آن مربوط به صادرات صرف مدارات مجتمع و قطعات آن بوده است. از این میزان چین به همراه هنگ‌کنگ ۹۴ میلیارد دلار از این ارزش را وارد کرده‌اند که سهمی ۶۰ درصدی را به دست می‌دهد.

اختیار شرکت‌های بین‌المللی قرار دارد. این در حالی است که مطابق با شکل (۵)، ده سهام‌دار بزرگ این شرکت تنها در حدود ۳۷ درصد از

Shareholders	Shareholding Percentage
ADR-Taiwan Semiconductor Manufacturing Company, Ltd.	20.52%
National Development Fund, Executive Yuan	6.38%
Citibank (Taiwan) Ltd. in custody for Government of Singapore	2.50%
Citibank (Taiwan) Ltd. in custody for Norges Bank	1.40%
JPMorgan Chase Bank N.A., Taipei Branch in custody for Vanguard Total International Stock Index Fund, a series of Vanguard Star Funds	1.21%
New Labor Pension Fund	1.08%
JPMorgan Chase Bank N.A., Taipei Branch in custody for Vanguard Emerging Markets Stock Index Fund, a series of Vanguard International Equity Index Funds	1.00%
Fubon Life Insurance Co., Ltd	0.90%
JPMorgan Chase Bank N.A., Taipei Branch in custody for EuroPacific Growth Fund	0.82%
iShares Core MSCI Emerging Markets ETF	0.81%

کل سهام را در اختیار دارند. اگرچه از این ده سهام‌دار بزرگ، تنها سه شرکت با سهم زیر پنج درصد تابعیت آمریکایی دارند، لیکن حضور اعضای شرکت‌های آمریکایی در هیئت‌مدیره، نفوذ ایالات متحده را در شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان نشان می‌دهد.

شکل (۵) ده سهام‌دار بزرگ شرکت تولید نیمه‌هادی تایوان

۲۹

این موضوع در کنار قانون تسهیل و رفع موانع سرمایه‌گذاری در ایالات متحده موجب شده تا این شرکت اقدام به سرمایه‌گذاری ۳۵ میلیارد دلاری در راستای تأسیس کارخانه پیشرفته تولید نیمه‌هادی در ایالت آریزونا، ایالات متحده تا سال ۲۰۲۴ نماید.

## پیشروی چین و ایالات متحده به سوی خودکفایی در صنعت تراشه‌سازی

1 . Reference: <https://investor.tsmc.com/english/board-of-directors>

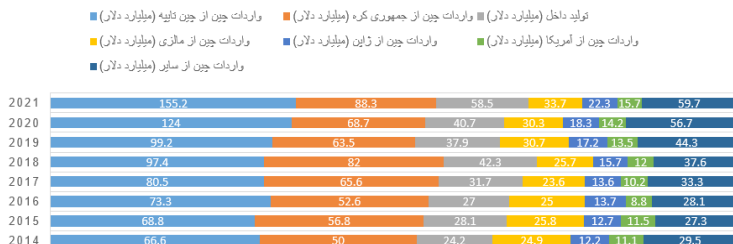




امروزه ایالات متحده با تخصیص سرمایه‌گذاری در حوزه تولیدات نیمه‌هادی در صدد تقویت خود برآمده است که از این قبیل کنش‌ها می‌توان به «قانون نوآوری و رقابت برای ایالات متحده» و همین‌طور «قانون تراشه برای آمریکا» در سال ۲۰۲۱ اشاره داشت. این کشور در سال ۲۰۲۱، در راستای افزایش توان تولید و طراحی تراشه‌ها در ایالات متحده طرح حمایت ۵۲ میلیارد دلاری را به تصویب کنگره رسانید که هدف آن قدرت‌افزایی در تمامی زنجیره تولید نیمه‌هادی بوده است. از نتایج این مصوبه می‌توان به تصمیم شرکت اینتل به‌عنوان طراح و سازنده میکروچیپ‌های الکترونیکی مبنی بر احداث بزرگ‌ترین کارخانه تولید نیمه‌هادی جهان به نام «سیلیکون هارتلند» و بهره‌برداری از آن تا سال ۲۰۲۵ اشاره نمود که تصمیم بر تصاحب جایگاه آسیا علی‌الخصوص تایوان در تولید نیمه‌هادی‌ها دارد. از آنجایی‌که ایالات متحده ۴۷ درصد از سهم بازار جهانی نیمه‌هادی را (در سال ۲۰۲۰) را به خود اختصاص می‌دهد و زنجیره کامل طراحی، ساخت و تولید تراشه‌ها را نیز در اختیار دارد امری ممکن خواهد بود.

چین نیز طی برنامه‌هایی مسیر خودکفایی در این عرصه را در پیش گرفته که می‌توان به سرمایه‌گذاری ۱۵۰ میلیارد دلاری این کشور در حوزه مدارات مجتمع و نیمه‌هادی‌ها اشاره کرد. هدف، خودکفایی ۷۰ درصدی در حوزه تولیدات مدارات مجتمع در بازه سال‌های ۲۰۱۴ الی ۲۰۲۵ بوده است. با توجه به به شکل (۴) که سبد واردات نیمه‌هادی‌های چین را نشان می‌دهد واردات ۴۹ میلیارد دلاری

### بازار تأمین نیمه‌های ها توسط چین



ریزپردازنده‌ها، حافظه‌ها، مدارت مجتمع و اقلام گوناگون نیمه‌های چین از تایوان در سال ۲۰۲۱ که نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۲۰، ۸ میلیارد دلار افزایش داشته است این هدف چندان محقق نشده و چین کماکان در نیمه‌هایها به تایوان متکی است.

شکل (۶) بازار تأمین اقلام نیمه‌های چین در سال‌های متمادی

## تغییر استراتژی ناگهانی ایالات متحده در تأمین نیمه‌های

۳۱

نکته مبرهن این است که زمان پارامتر مهمی است که جایگاه دو بازیگر در زنجیره تأمین نیمه‌هایها نسبت به یکدیگر را مشخص می‌کند. تصمیم ایالات متحده به قطع وابستگی خود به تایوان<sup>۱</sup> در حوزه نیمه‌هایها، نشان از نوعی چرخش سیاست اقتصادی، سیاست تجاری و در نهایت سیاست خارجی در قبال تایوان خواهد داشت.

خودکفایی ایالات متحده در تولید نیمه‌هایها نیز دور از انتظار نخواهد بود. تسلط ایالات متحده بر حلقه‌های مهم زنجیره تأمین این

۱. گفتنی است که این جزیره بیش از ۶۰ درصد از سهم تراشه سازی و بالای ۹۰ درصد از تولیدات تراشه‌های زیر ده نانومتر دنیا را را در اختیار خود دارد.





محصول، این امر را قابل تحقق نموده است. این حلقه‌ها عبارت‌اند از:

- طراحی تراشه‌های نیمه‌هادی
- طراحی دستگاه‌های لیتوگرافی
- نفوذ کافی در بزرگ‌ترین شرکت تولید نیمه‌هادی

از سوی دیگر با نگاهی به شکل (۶) که سبد تأمین نیمه‌هادی‌های چین را از سال ۲۰۱۴ (سال شروع پیش به سوی خودکفایی چین در بحث نیمه‌هادی‌ها) تا سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد می‌توان دریافت که نه‌تنها میزان تولیدات داخلی تراشه‌های نیمه‌هادی چین افزایشی نداشته است، بلکه از میزان وابستگی چین به کشورهای نظیر تایوان یا ژاپن نیز کاسته نشده است. این روند تداوم وابستگی چین به بازار جهانی تأمین را در سال‌های پیش رو نشان می‌دهد. این اتفاق در مدت مشابهی رخ می‌دهد که آمریکا به سمت خودکفایی در تولید نیمه‌هادی‌ها پیش می‌رود و اینجا است که گذشت زمان را به ضرر چین می‌کند.

در کنار این امر لازم است به ویژگی‌های ساختاری و مردمی تایوان نیز توجه شود تا بتوان نگاه منسجمی را در مورد استراتژی احتمالی چین در قبال تایوان داشت.

## جامعه داخلی تایوان

تایوان که شروع دموکراسی‌سازی را از اواخر دهه ۸۰ میلادی آغاز نمود امروزه در رتبه دومین ملت آسیایی و یازدهمین ملت جهانی از لحاظ



کیفیت دموکراسی قرار دارد. همچنین سرانه تولید ناخالص داخلی بالا در این جزیره باعث شده است تا دولت تایوان نقش دولت رفاه را ایفا کند که کارویژه‌های آن در امور رفاهی همچون رتبه اول الی پنجم جهانی در کیفیت نظام آموزشی، رتبه پانزدهم الی بیستم سیستم سلامت و ... منعکس شده است.

نظرسنجی‌ها در تایوان نیز نشان می‌دهد ۸۴٫۹ درصد از مردم تایوان موافق شرایط فعلی هستند. درحالی‌که تنها ۶٫۸ درصد از آن‌ها از استقلال تایوان حمایت می‌کنند. مردمان دموکراسی‌ها به علت عادت به زندگی در یک رفاه نسبی آستانه تحمل بسیار پایینی دارند. اعمال فشار ناگهانی به این‌گونه جوامع که بتواند سطح زندگی معمول آن‌ها را مختل نماید می‌تواند منجر به بحران تقاضا و در نتیجه سطح بالایی از نارضایتی را در جامعه پدید آورد، موضوعی که در مورد تایوان نیز صادق خواهد بود.

## سناریوهای ممکن

حال با توجه به مباحث بالا و مطالبی که در گذشته به آنها اشاره شد به ارائه سناریوها، بررسی و تدقیق در سناریوی محتمل خواهیم پرداخت. سعی شده است تا تمامی سناریوهای محتمل و نامحتمل مورد اشاره واقع شوند. در زیر سناریوهایمان با بازیگری ایالات متحده آغاز می‌گردند. این سناریوها با این بینش ارائه شده‌اند که زمین‌بازی از سوی ایالات متحده و پس از خودکفایی در صنعت نیمه‌هادی طراحی شده است، از همین رو با آرامش





خاطر این کشور نسبت به حفاظت از نقش خود در رهبری فناوریانه جهانی صورت می‌پذیرد.

سناریوهای ایالات متحده با خودکفایی در زمینه نیمه‌هادی‌ها می‌تواند با اهداف زیر صورت پذیرد:

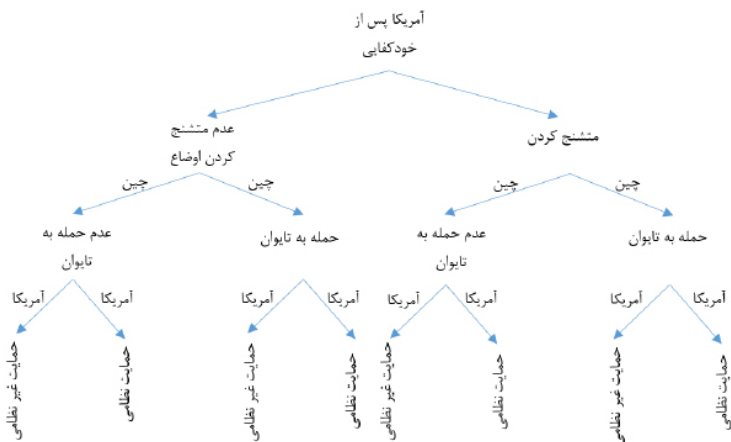
- ایجاد شرایطی که شرکت‌های تراشه‌سازی تایوان از تجارت با چین بپرهیزند، با این هدف که پیش از خودکفایی کامل چین در این حوزه، حداکثر ضربه را به این کشور وارد نماید.

- پایان بخشیدن به نقش حمایت‌گرایانه از تایوان، که می‌تواند در قبال تلاش‌های دیپلماتیک چین در راستای کسب تأیید حقوقی بین‌المللی (این‌که تایوان بخشی از چین است)، صورت پذیرد.

- کاستن از نقش حمایت‌گرایانه خود نسبت به تایوان که می‌تواند در قبال حمله همه‌جانبه و غافلگیرانه چین به تایوان یا معامله‌های سیاسی خود را نشان دهد.

- توجه به اینکه این خودکفایی بایستی پیش از حمله احتمالی و پیش‌دستانه چین به تایوان و در راستای حفظ امنیت اقتصادی ایالات متحده صورت پذیرد (که می‌تواند با متشنج کردن اوضاع روند صدور سرمایه و سرمایه‌گذاری این صنایع توسط تایوان را در ایالات متحده تسریع نماید).

ساده‌سازی در روابط چین، تایوان و ایالات متحده نمودار ترتیبی زیر را ارائه می‌دهد. در این نمودار سناریوهای موجود میان چین و ایالات متحده و بازی با مهره تایوان نشان داده شده است.



در مجموع ۸ سناریو ذکر شده است که به تدقیق آنها پرداخته شده است.

ورود نظامی ایالات متحده به عنوان حامی تایوان پس از حمله ناگهانی چین به این جزیره دور از انتظار خواهد بود. عواقب غیرقابل پیش بینی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جنگ مستقیم با چین، یک دافعه قوی در برابر این انتخاب ایجاد کرده است. سند روابط تایوان نیز که مبنای حمایت ایالات متحده از تایوان است، دخالت و حمایت نظامی ایالات متحده از تایوان را الزام آور ندانسته است. از همین رو موضع گیری ایالات متحده به عنوان حامی تایوان، می تواند به صورت حمایتی و عدم ورود مستقیم به درگیری صورت پذیرد.

چین نیز دوگانه بهره گیری از قدرت نظامی و حقوقی را در دایره





انتخاب‌های خود دارد. نفوذ اقتصادی چین در کشورهای جهان می‌تواند در راستای اقلان ۱۳ کشور ذره‌ای باقی‌مانده که هنوز تایوان را به رسمیت می‌شناسند به کار گرفته شود و در نتیجه بازپس‌گیری شناسایی حقوقی تایوان توسط آنها را در پی داشته باشد. از آنجایی که این موضوع زمان‌بر خواهد بود، در مواقع اضطرار با محدودیت زمانی جوابگو نخواهد بود.

تا زمانی که چین حرکتی در راستای تنش‌زایی و ایجاد خلل در تجارت آزاد تایوان با دول جهانی انجام ندهد، بهترین حالت ممکن برای ایالات متحده‌ای که وابسته به تولیدات جهانی نیمه‌هادی‌ها است، حفظ وضعیت فعلی در تایوان است؛ یعنی وضعیت مبهم نه جنگ نه صلح تایوان با چین. کما اینکه تا به امروز نیز همین اتفاق رخ داده است.

از طرفی چین در هیچ دوره‌ای از خیزش نوین خود قدرتمندتر از امروز نبوده است، تا بتواند در راستای الحاق تایوان به خود اقدام نماید. چین تا به امروز همچون سایر کشورهای جهان از تجارت آزاد بازار جهانی کسب منفعت می‌نموده و مسلماً این منافع و مزایا بیش از هزینه‌های آن بوده است. کاهش منافع چین ناشی از رکود آینده بازار جهانی می‌تواند چین را به سوی اتخاذ سیاستی متفاوت در قبال تایوان سوق دهد.

هر حرکتی از سوی چین که نشان دهد این کشور وضعیت موجود را بر نمی‌تابد موجب می‌شود بهترین انتخاب ایالات متحده سوق دادن چین و تایوان به سوی جنگ متقابل و تحویل تایوانی

هرچه ضعیف‌تر به چین باشد. از آنجایی که چین به همراه هنگ‌کنگ ۶٪ از کل تولیدات نیمه‌هادی تایوان را وارد می‌کنند و چین در تولید نیمه‌هادی نیز قدرت بالایی ندارد، بیشترین ضرر را از این الحاق کسب می‌کند. کم‌اینکه شروع یک جنگ فرسایشی بین چین و تایوان نیز، چین را به دوره ضعف خود سوق می‌دهد. فلذا اولویت چین این است که با حرکتی نرم تایوان را به سوی خود جلب نماید، تا کم‌ترین ضرر ممکن از الحاق این جزیره به خود را متحمل شود. از طرفی مردم تایوان را نیز که دارای ذهنیتی تاریخی هستند و ذهنیت آنها راه‌گشای هنگ‌کنگ سازی تایوان است، به سمت هدف خود جلب نماید؛ بنابراین هر فرصتی برای چین در راستای جلب نظر مساعد مردم تایوان غنیمتی به حساب می‌آید که چین در راستای کسب بهینه آن عمل می‌نماید.

در مقابل ایالات متحده در سرمایه‌گذاری‌های خود و جلب سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه نیمه‌هادی با سرعت زیادی عمل می‌نماید. از آنجایی که بازار طراحی و طراحی ساخت ماشین‌آلات لیتوگرافی در دست این کشور است و شرکت‌هایی نظیر اینتل نیز در آنجا حضور دارند رسیدن به حداکثر بهره‌وری و کیفیت در تولید محصولات مربوطه زمان زیادی نیاز نخواهد داشت. موعد بهره‌برداری از تمامی پروژه‌های ساخت نیمه‌هادی در ایالات متحده در بازه ۲۰۲۴ الی ۲۰۲۵ است که هم‌زمان با موعد انتخابات تایوان و ایالات متحده است. این زمان می‌تواند به این علت انتخاب شده باشد تا در صورت حمایت چین از حزب کومینتانگ در انتخابات تایوان و تمایل سران





آن به هنگ‌کنگ سازی تایوان، ایالات متحده کم‌ترین ضرر صنعتی را ببیند. از طرفی با روی کار آمدن جمهوری خواهان و تمایل آنها به رقابت علنی‌تر با چین با دست بازتری اقدام نمایند. فلذا همان گونه که گفته شد در اینجا اهمیت پارامتر زمان مطرح می‌شود. هرچه زمان بیشتر می‌گذرد ایالات متحده در بحث تولید نیمه‌هادی‌ها به خودکفایی نزدیک‌تر شده و می‌تواند با دست بازتری در چین عمل نماید. مطمئناً ایالات متحده کسب زمان بیشتری را دنبال می‌کند تا علاوه بر پیشرفت همه‌جانبه در صنعت تولید نیمه‌هادی نهایت منفعت از بازار تراشه سازی تایوان را نیز کسب نماید.

آمریکا با رصد روند همگرایی بیش‌ازپیش تایوان و چین به‌خصوص پس از دیدار رؤسای جمهور چین و تایوان که به امضای قرارداد همکاری تجاری بینا تنگه‌ای و برقراری خط تلفن اضطراری تاپیه - پکن منجر شد با حمایت از حزب استقلال طلب دموکراتیک مرفقی علاوه بر اینکه همگرایی دو کشور را به تأخیر انداخت، میان دو دولت نیز ایجاد شکاف نمود. این هدف با سفر سیاستمداران آمریکایی همچون پلوسی و سناتورهای آمریکایی نیز پیگیری شده است. ایالات متحده با دشمن نمایی از چین و تأکید بر نقش حمایت‌گرایانه خود از تایوان در برابر این دشمن، موجبات تجدید و تعمیق شکاف میان دو ملت را فراهم می‌آورد. از طرفی سفر مقامات آمریکا به تایوان به‌گونه‌ای چیده شده است که هرگونه حرکت از سوی چین موجب در تله افتادن این کشور می‌شود. این حرکت‌ها عبارت‌اند از:

■ محاصره دریایی

- شلیک موشک از آسمان تایوان
- انجام مانورهای دریایی
- انجام عملیات نظامی محدود علیه مجموعه جزایر تایوان
- اعلام پرواز ممنوع نمودن آسمان تایوان

هرگونه عکس‌العمل از سوی چین این بهانه را به ایالات متحده می‌دهند تا علاوه بر جهت‌دهی به گرایش‌های ذهنی مردم تایوان علیه چین، صدور یا خروج سرمایه‌گذاری‌ها علی‌الخصوص سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه نیمه‌هادی را نیز به ایالات متحده تسریع نمایند. از طرفی نیز بازی مذکور می‌تواند چین را وارد یک بازی نماید که نتایج آن کاملاً مبهم بوده و دارای هزینه‌هایی غیرقابل پیش‌بینی باشد. به همین علت دولت چین به‌عنوان بازیگری عقلایی قطعاً سیاستی را برمی‌گزیند که کمترین هزینه و بیشترین فایده را در پی داشته باشد.

چین با درک اهمیت سررسید ۲۰۲۵ سعی خواهد نمود طی سناریوهایی ساختگی بازی منازعه تایوان را در دست گیرد، این سناریو بایستی بسیار مشروع نمایانده شود تا علاوه بر جلب نظر مساعد مردم تایوان به پیوستن به چین، دولت تایوان را نیز ناچار به پذیرش شرایط چین نماید. به‌عنوان مثال این بازی می‌تواند با بهانه‌ای در خصوص احساس ناامنی چین از سوی رفتارهای نظامی‌گرایانه تایوان آغاز گردد؛ رفتارهایی که امنیت چین را به مخاطره می‌افکند. این احساس ناامنی از جانب تایوان که ممکن است به هر نحوی از انحاء صورت پذیرد، چین را ناچار می‌کند تا در راستای حذف ناامنی اقدامات محدودکننده‌ای را وضع نماید. اقداماتی که تجارت تایوان را





در کوتاه مدت دشوار یا حتی مختل سازد. نتایج حاصل از این واکنش چین به اشکال زیر نمایان می شود:

- ایجاد خلل در روند بازار
- افزایش قیمت نهایی محصولات تولیدی
- خلل در حمل و نقل دریایی کالاهای اساسی تایوان نظیر مواد غذایی و انرژی که منجر به خلل در ارائه آن ها در بازار داخلی تایوان شده و می تواند منجر به ایجاد تنش های اجتماعی در کوتاه مدت گردد.
- کاهش شدید رغبت شرکت های حمل و نقل دریایی به رفت و آمد به مبدأ و مقصد تایوان
- کاهش شدید میل شرکت های بیمه و ارائه خدمات به ترانزیت های بین المللی تایوان

این نتایج با تأثیر نامطلوب بر زندگی اقتصادی مردم تایوان، آنها را از سیاست های دولتی ناراضی می سازد. از آنجایی که جامعه بزرگ آماری ۸۵ درصدی از مردم تایوان حامی وضعیت «نه جنگ نه صلح» اما با ثبات فعلی هستند و این کشور سطح بالایی از دموکراسی و رفاه اجتماعی را تجربه می کند، کوچک ترین خلل در روند زندگی روزمره مردم می تواند موجی از نارضایتی عمومی را ایجاد کرده و عموم مردم را به سوی رفع آن سوق دهد.

گرچه سفر مقامات بلند پایه ایالات متحده به تایوان جزئی از بازی ایالات متحده علیه چین است، لیکن چین در اثنای بازی خود می تواند از آن به عنوان اهرمی بهره برد که موج نارضایتی ها را بیش از پیش



متوجه ایالات متحده می‌کند. در نتیجه باعث می‌شود تا مردم تایوان علت وضعیت متشنج خود را در دخالت‌های ایالات متحده در امور تایوان جستجو نمایند. همچنین این وضعیت موجب می‌شود تا حزب کومینتانگ با اقدامی مشابه با اقدام ۲۰۱۵ حزب دموکراتیک مترقی<sup>۱</sup>، این حزب را از میدان رقابت حذف نماید و تایوان پسا انتخابات ۲۰۲۴ تایوانی باشد که می‌تواند مشکلات خود را با چین حل نموده و روند هنگ‌کنگ سازی را طی نماید.

## فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۱، ۷۵ میلیارد دلار صادرات داشته است که ۲۰ میلیارد دلار آن متعلق به چین بوده است. شروع درگیری‌ها میان چین و تایوان علاوه بر اینکه می‌تواند حمایت ایالات متحده از تایوان را در پی داشته باشد، بر صادرات ایران به کشورهای منطقه شرق آسیا علی‌الخصوص چین نیز تأثیر منفی می‌گذارد. سهل‌الوصول‌ترین مسیر برای این اقدام آمریکا که می‌تواند خود را در قالب ایجاد موانع تجارت دریایی برای چین نشان دهد تنگه مالاکا<sup>۲</sup> است.

۱. حزب دموکراتیک مترقی به بهانه دیدار سران وقت تایوان (حزب کومینتانگ) و چین در سال ۲۰۱۵، به جهت‌دهی به افکار عمومی روی آوردند و با این بهانه که حزب کومینتانگ خواهان نزدیکی به چین بوده را از میدان رقابت حذف نمودند.

۲. تنگه مالاکا، آبراهی است که اقیانوس هند و دریای چین جنوبی را به هم متصل می‌کند. عمق آب به‌ندرت از ۳۷ متر تجاوز می‌کند و حدود معمول آن ۲۷ متر است. هر چه به سمت شمال غربی تنگه می‌رویم به تدریج عمیق‌تر می‌شود تا زمانی که تنگه با اقیانوس هند ادغام می‌شود تا حدود ۲۰۰ متر می‌رسد این در حالی است که عمق آب‌نشین کشتی‌های بزرگ نفت‌کش بیش از ۲۰/۵ متر نمی‌توانند از آب‌های کم‌عمق این ناحیه عبور و مرور نمایند و نباید بیش از مالاکاماکس باشد. مالاکاماکس حداکثر اندازه آب‌نشین یک کشتی است که می‌تواند از مالاکا عبور نماید و اندازه آن ۲۰/۵ متر می‌باشد (فی‌الواقع محدودیت مجاز کنونی تنگه شامل کشتی‌هایی با طول ۴۰۰ متر، عرض ۵۹ متر و آب‌نشین ۱۴/۵ متر است). می‌توان گفت مالاکا تنها مسیر دریایی ممکن برای اتصال کشورهای شمال شرق آسیا با جهان غربی این منطقه است.





سایر تنگه‌ها و آبراه‌های این منطقه نظیر تنگه سوندا<sup>۱</sup>، ماکاسار<sup>۲</sup>، سیبوتو<sup>۳</sup>، میندورو<sup>۴</sup> و لومبوک<sup>۵</sup> نیز به علت برخی عوامل از جمله انحراف چند هزار مایلی از مالاکا، عمق کم یا حتی عمق بیشتر از مالاکا ماکس، شنی بودن سواحل و برآمدگی‌های آتشفشانی و میادین نفت و گاز گزینش شده و بسیار کمتر از مالاکا مورد استقبال واقع می‌شوند. بنابراین مالاکا برای کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا به عنوان یگانه گلوگاهی مطرح می‌شود که بستن آن امنیت کشورهای شرق آسیا علی‌الخصوص کشورهای شمالی آن را به مخاطره می‌اندازد.

حضور جزایر آندامان، نیکوبار و کمپبل هند در ورودی تنگه مالاکا در اقیانوس هند به همراه قرارداد امنیتی آمریکا با سنگاپور و هند موجب شده است که ایالات متحده البته به کمک متحدین خود و به صورت غیرمستقیم به راحتی عبور و مرور محموله‌های تجاری چین را با خلل مواجه نماید.

## فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران

چین با علم به اهمیت گلوگاه مالاکا به تأسیس پایانه‌های خارجی موازی با مالاکا برآمده است که از آن جمله می‌توان به کریدور اقتصادی پاکستان - چین یا کریدور اقتصادی میانمار - چین اشاره نمود. جمهوری اسلامی ایران هم می‌تواند با سرمایه‌گذاری در کریدورهای

---

1 . Sunda strait.  
2 . Makassar Strait.  
3 . Sibutu Passage.  
4 . Mindoro Strait.  
5 . Lombok Strait .

اقتصادی مذکور همچون بخش خطوط انرژی آن، علاوه بر افزایش قدرت نفوذ خود در سیستم سیاسی میانمار و پاکستان قدرت نفوذ خود را در دستگاه سیاسی و اقتصادی چین نیز افزایش دهد.

همان گونه که در قسمت تهدیدات اشاره کردیم، انتقال مرکزیت تولید ریزتراشه‌های الکترونیکی از تایوان به آمریکا می‌تواند دسترسی ایران ذیل فشار تحریم به تراشه‌های با تکنولوژی بالا را بیش از پیش دشوار سازد. وجود نگرانی مشترک میان ایران و چین در زمینه نیمه‌هادی‌ها در کنار وجود منابع عظیم سیلیس، گالیوم، ژرمانیوم، مس و دسترسی هم‌زمان به انرژی گازی و برقی در اقصا نقاط ایران، ارائه پیشنهاد سرمایه‌گذاری مشترک با چین در تولید تراشه‌های الکترونیکی در داخل ایران را مطرح می‌کند. این امر در ابتدا می‌تواند در ابعاد بالاتر از ۱۰ نانومتر یا حتی بالاتر صورت پذیرد، به مرور زمان و با انتقال مهارت و تکنولوژی، پیشروی به سوی همکاری در ساخت ابعاد زیر ده نانومتر نیز در دستور کار واقع شود.

۴۳

سرمایه‌گذاری مشترک در تولید نیمه‌هادی‌ها با همکاری در زمینه تحقیق و توسعه نیمه‌هادی‌ها پیش می‌رود. امضا قرارداد همکاری میان دانشگاه‌های برتر دو کشور در حوزه فیزیک الکترونیک و در نتیجه انجام پژوهش‌های مشترک می‌تواند تولیدات این حوزه را رقابت‌پذیرتر گرداند.

استحصال مواد اولیه تولید صنایع الکترونیک همچون گالیوم و ژرمانیوم که از فراوری پسماندهای فلزات سرب و روی ممکن است، به فناوری‌های نوینی وابسته‌اند که نیاز به سرمایه‌گذاری دارند، سرمایه‌ای





که منابع محدود داخلی کفاف آن را نمی‌دهد. می‌توان در توافقی مشارکتی - سرمایه‌گذاری با طرف چینی در راستای تولید نیمه‌هادی‌ها این پتانسیل را نیز فعال نمود.

سرمایه‌گذاری مشترک بر روی بنادر سواحل مکران همچون بندر جاسک به‌عنوان پایانه‌ای موازی در کنار پایانه‌های میانمار - چین و پاکستان - چین نیز می‌تواند پروژه مشترک دیگری از همکاری چین و جمهوری اسلامی ایران باشد. پیگیری سیاست حذف تدریجی آبراه مالاکا از مسیرهای مهم تجاری چین از اهم برنامه‌های این کشور است. در همین راستا سرمایه‌گذاری در تجهیز بنادر دریایی کشورهایی نظیر پاکستان و میانمار به همراه اتصال کریدوری آنها به چین از جمله برنامه‌هایی است که هدف مذکور را دنبال می‌کند. با توجه به حجم بالای بارگیری بنادر چین، بندر گوادر به‌تنهایی پاسخگوی ایفای نقش جایگزینی برای بنادر چین نخواهد بود و بایستی با مبادی دیگری به‌صورت موازی همراه گردد که از همین رو بنادر سواحل مکران پیشنهاد می‌شود. از طرفی سرمایه‌گذاری در این موضوع علاوه بر اینکه امنیت تجاری میان چین و جمهوری اسلامی ایران را افزایش می‌دهد موجبات افزایش حجم تجاری طرفین با یکدیگر نیز فراهم می‌آورد. حضور خط لوله مستقیم گوره - جاسک در بندر جاسک می‌تواند به‌عنوان مزیتی دیده شود که نسبت به بنادر دیگر دست برتر را برای توسعه این پایانه خواهد داشت. این خط لوله می‌تواند به‌عنوان خط لوله موازی با خط لوله میانمار - چین نقش آفرینی نماید. این امر مسئله‌ای است که می‌تواند چین

را ترغیب به سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران نیز نماید. همکاری غیرمستقیم نظامی بین ایران و چین فرصت دیگری است که به‌منظور گره‌زنی هرچه بیشتر منافع طرفین صورت می‌پذیرد. دستاورد این حمایت‌نظامی کسب امتیازات بلندمدتی خواهد بود که در دوران صلح دستیابی به آن‌ها ممکن نخواهد بود و درعین حال منافع مشترک را تأمین می‌نماید. این تقاضاها می‌تواند در زمینه توسعه حمل‌ونقل ریلی الکتریکی و انتقال تکنولوژی صنایعی همچون نیمه‌هادی‌ها، ماشین‌آلات مکانیکی پیشرفته، صنایع هوایی و دریایی و زیرساخت ارتباطات داخلی باشد.

## تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران

ظهور منازعه میان چین و تایوان تهدیداتی را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد که به بررسی آنها می‌پردازیم.

۴۵

جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۱ به میزان ۲۰ میلیارد دلار به چین صادرات داشته است که بیش از ۱۵ میلیارد دلار آن محصولات نفتی، پتروشیمی و شیمیایی بوده است. همچنین ارزش وارداتی جمهوری اسلامی ایران از چین در سال ۲۰۲۱ برابر با ۱۳ میلیارد دلار بوده است که در مجموع تجارت ۳۳ میلیارد دلاری با چین را رقم زده است. با آغاز منازعه میان چین و تایوان، تمهیدات سخت‌گیرانه ایالات متحده تجارت ایران با چین را به مخاطره می‌اندازد. تهدیدی که می‌توان آن را به فرصت تبدیل نمود.





دسترسی ایران به ریزتراشه‌های فناورانه تایوان، ممکن است به علت تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، از طریق واسطه‌های متعددی صورت پذیرد که با انتقال مرکزیت تولید این تراشه‌ها به آمریکا می‌تواند دسترسی جمهوری اسلامی ایران را بیش‌ازپیش دشوار سازد.

همچنین حمایت مستقیم جمهوری اسلامی ایران از چین در نزاع احتمالی میان چین و تایوان می‌تواند تجارت دریایی ایران با جای‌جای شرق آسیا را بامانع ایالات متحده و متحدین منطقه‌ای آن روبرو سازد.